



تحلیل حقوقی قرارداد بیمه عمر

سعید سیاه بیدی کرمانشاهی *

چکیده

بیمه عمر قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، متعهد می‌شود که در صورت فوت بیمه‌شده یا زنده ماندن او در زمان معین، مبلغی به بیمه‌گذار یا شخص ثالثی که از طرف او تعیین می‌شود، بپردازد. با توجه به این که تحلیل حقوقی قرارداد بیمه عمر کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بررسی ماهیت و اوصاف این قرارداد امری ضروری و مفید است. بیمه‌های عمر به دو دسته بیمه‌های عمر انفرادی و گروهی تقسیم می‌شوند. قرارداد بیمه عمر خود یک عقد معین در عرض سایر بیمه‌ها نیست بلکه خود عقد بیمه یک معین است و به تبع آن تمام اقسام بیمه نیز عقد معین محسوب می‌گردند. قرارداد بیمه عمر از جانب بیمه‌گذار جایز و از جانب بیمه‌گر لازم است. در این قرارداد بیمه‌گذار متعهد است تا زمانی که قرارداد بیمه عمر را فسخ نکرده، حق بیمه را بپردازد و حقوق وی که از این قرارداد ناشی می‌شود عبارت‌اند از سرمایه مخفف، بازخرید بیمه‌نامه، دریافت وام از محل بیمه‌نامه و امکان توثیق بیمه‌نامه عمر. در این قراردادها امکان عزل و تغییر ذینفع بیمه‌نامه وجود دارد و نیز این امکان فراهم است که شخص ثالث ذینفع پس از اطلاع از انتخاب به‌عنوان ذینفع، این امر را رد کند که در این صورت اگر بیمه از نوع بیمه عمر به‌شرط حیات باشد، سرمایه بیمه به خود بیمه‌گذار اختصاص پیدا می‌کند؛ اما اگر بیمه از نوع بیمه عمر به‌شرط فوت باشد، ورثه بیمه‌گذار ذینفع محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی:

بیمه عمر، اقسام، عقد معین، حقوق و تعهدات، ذینفع بیمه‌نامه



مقدمه

به طور کلی می توان به عنوان یک تقسیم اولیه، بیمه ها را به دو دسته بیمه های اجتماعی و بازرگانی تقسیم نمود. بیمه های اجتماعی به سلسله خدماتی اطلاق می شود که در راه ایجاد رفاه عمومی برای همگان یا طبقه معینی از جامعه، به انجام می رسد. در برخی موارد، منابع آن را دولت تأمین می کند، مانند: خدمات بهداشتی و درمانی برای معلولان. بیمه های بازرگانی همان طور که از نام آن ها پیدا است عمدتاً با هدف کسب سود مادی به ارائه خدمات می پردازند و برخلاف بیمه های اجتماعی که هدف اصلی از تأسیس آن ها، ارائه خدمات ضروری برای رفع یا کمتر نمودن مشکلات اجتماعی است، بیمه های بازرگانی با هدف اولیه کسب سود تشکیل می شوند هر چند که تبعاً در راستای افزایش رفاه اجتماعی نیز متمر ثمر خواهند بود. بیمه های بازرگانی خود بنا بر نوع خطر موضوع به سه دسته بیمه های اموال، مسئولیت و اشخاص تقسیم می شوند.

در بیمه اموال، موضوع تعهد بیمه گر، خطراتی است که اموال شخص را تهدید می نماید^۱ یا به عبارت دقیق تر، بیمه گذار، با پرداخت حق بیمه، اموال خاصی را در قبال خطرات مورد توافق بیمه می نماید. در این حالت در صورت تحقق خطر موضوع قرارداد، بیمه گر ملزم است مطابق قرارداد، خسارات وارده را جبران نماید.

در قرارداد بیمه مسئولیت، بیمه گذار، مسئولیت خود را بیمه می نماید، توضیح آن که مسئولیت، ممکن است بر اثر فعل یا ترک فعل خود شخص یا اشخاص وابسته به وی و یا حیوانات و اشیایی که متعلق به وی یا در تصرف او هستند، تحقق یابد. تحقق مسئولیت به معنای آن است که شخص مزبور ملزم به جبران خسارات وارده است. حال شخص چنانچه مسئولیت خود را بیمه نماید، بیمه گر ملزم به جبران این خسارات خواهد بود. بیمه های اشخاص، خطراتی را تحت پوشش قرار می دهند که ضرر و زیان آن متوجه حیات آدمی است و خود به سه دسته بیمه درمانی، بیمه حوادث و بیمه عمر تقسیم می شوند.

قرارداد بیمه عمر از جمله قراردادهایی است که تحلیل حقوقی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا بررسی اقسام، ماهیت و اوصاف این قرارداد در صورتی که در مواقع لزوم با مطالعه تطبیقی نیز همراه باشد می تواند مفید به فایده باشد؛ لذا در این نوشتار به جنبه های مهم این قرارداد از دیدگاه حقوقی پرداخته می شود تا در شناخت بیشتر این نهاد و کارکردهای آن مفید واقع شود. در این راستا ابتدا تعریف بیمه عمر و اقسام آن مطرح می شود سپس اوصاف مهم این نهاد مورد بررسی قرار می گیرد و در انتها

۱. صادقی مقدم، محمد حسن، شکوهی زاده، رضا، حقوق بیمه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۹۲، ص ۷۵.

نیز آثار این نهاد نسبت به طرفین قرارداد و اشخاص ثالث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تعریف قرارداد بیمه عمر و اقسام آن

در این قسمت ابتدا تعریف جامعی از قرارداد بیمه عمر بیان می‌گردد و سپس اقسام این قرارداد معرفی می‌گردد.

۱-۱- تعریف قرارداد بیمه عمر

«قرارداد بیمه عمر» متشکل از سه لفظ «قرارداد»، «بیمه» و «عمر» است. «قرارداد» در حقوق داخلی ما صرف نظر از برخی تقسیم‌بندی‌ها که توسط صاحب‌نظران ارائه شده است،^۲ لااقل در معنای عام خود به معنای همان «عقد» است که مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی تعریف شده است: «عقد، عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد». واژه «بیمه» بنا بر نظر برخی از واژه «بیم» گرفته شده است و با اضافه کردن پسوند «ه» به صورت «بیمه» درآمده است.^۳ لیکن شاید پذیرفتن آن، قدری مشکل باشد زیرا مستلزم این است که قبول نماییم با اضافه شدن پسوند «ه» به واژه «بیم» معنای لغوی آن نیز تغییر کرده است و از معنای «ترس» به معنای «اطمینان و تضمین» منتقل شده است لذا ظاهراً حق با کسانی است که ریشه این واژه را لفظ «بیما» می‌دانند، این واژه اردو - هندی به معنای «ضمانت» است.^۴ در خصوص معنای «عمر» نیز مناقشه‌ای وجود ندارد و این واژه به معنای حیات و زندگی است.^۵ ترکیب سه واژه فوق معنای تازه‌ای را افاده می‌نماید که با معنای تک تک واژگان در عین قرابت، متفاوت است. توضیح آن که «بیمه» موضوع قرارداد است و موضوع قرارداد بیمه، «عمر» یک یا چند شخص است. ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در تعریف عقد بیمه، مقرر می‌نماید: «بیمه عقدی است که به موجب آن، یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهری از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده را جبراً نموده یا وجه معینی را بپردازد...» مقنن در این ماده با عبارات «در صورت بروز حادثه» و «وجه معینی را بپردازد» و ایجاد تقابل میان عبارت اخیر و عبارت «خسارت وارده را جبران نموده» سعی کرده تعریف را به گونه‌ای بیان نماید که شامل «بیمه عمر» نیز بشود. از تتبع در مقررات قانونی به این نتیجه می‌رسیم که مقنن، تا به حال تعریفی از بیمه عمر ارائه ننموده است لذا صاحب‌نظران،

۲. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۸، ص ۳۹.

۳. لطفی، تقی، فزونی و کاستی (بحثی نو از حقوق مدنی سوییس)، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹، ۱۳۵۲، ص ۲۹.

۴. معین، محمد، فرهنگ معین، ج اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ص ۶۶۳.

۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج دوم، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰، ص ۱۶۸.



به تعریف این نهاد با توجه به عناصر تشکیل دهنده آن پرداخته‌اند.^۶ نقل و نقد تعاریف ارائه‌شده از موضوع نوشتار حاضر خارج است لذا به ارائه تعریفی که دقیق‌تر از سایر تعاریف به نظر می‌رسد بسنده می‌نماییم: «بیمه عمر قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، متعهد می‌شود که در صورت فوت بیمه‌شده یا زنده ماندن او در زمان معین، مبلغی به بیمه‌گذار یا شخص ثالثی که از طرف او تعیین می‌شود، بپردازد.»^۷

۱-۲- اقسام قرارداد بیمه عمر

بیمه‌های عمر از تعدد و تنوع زیادی برخوردارند لذا به منظور سهولت مطالعه، آن‌ها را به دو گروه عمده بیمه‌های عمر انفرادی و بیمه‌های عمر گروهی تقسیم می‌نمایند.

۱-۲-۱- بیمه‌های عمر انفرادی

در این دست بیمه‌ها، حیات یا فوت شخصی معینی تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرد. بیمه‌های عمر انفرادی با توجه به خطر موضوع عقد به سه دسته بیمه عمر به شرط فوت، بیمه عمر به شرط حیات و بیمه عمر مختلط تقسیم می‌شوند.^۸

۱-۱-۲-۱- بیمه عمر به شرط فوت

در این قرارداد، بیمه‌گر متعهد می‌شود در قبال دریافت حق بیمه‌ای معین، در صورت فوت بیمه‌شده سرمایه معینی را به شخص یا اشخاصی که بیمه‌گذار معین نموده است و نیز در صورت عدم تعیین ذینفع به وراث وی بپردازد. لازم به ذکر است که چنانچه، پوشش بیمه‌ای موضوع این قرارداد، محدود به مدت معینی باشد، این بیمه را «بیمه عمر خطر فوت موقت»، یا «بیمه عمر زمانی»^۹ می‌نامند. و در صورتی که برای پوشش بیمه‌ای مدتی معین نشود و ناظر به تمام عمر شخص بیمه‌شده باشد، آن را «بیمه تمام عمر»^{۱۰} می‌نامند.

۱-۲-۱-۲- بیمه عمر به شرط حیات

در این قرارداد، عکس حالت سابق، بیمه‌گر متعهد می‌شود در قبال دریافت حق بیمه‌های معین، در صورت حیات بیمه‌شده در سررسید معین، مبلغی را حسب مورد به صورت یکجا یا مستمری به بیمه‌گذار یا ذینفع معین شده توسط وی بپردازد. قید

۶. کعبی‌نژاد، محمد حسین، اصول و ریاضیات بیمه عمر، تهران، نشر بهمن، چاپ اول، ۱۳۴۳، ص ۴؛ در حقوق خارجی ر.ک

Bacon, David (1971), Principles and Practice of Life Insurance, Buckley Press, 7th ed, p. 1.

۷. فرجادی، منوچهر، بیمه‌های عمر و بازنشستگی، تهران، انتشارات مدرسه عالی بیمه، چاپ اول، ۱۳۵۴، ص ۲.

۸. همان، صص ۵۴-۵۵.

9. Term Insurance.

10. Whole Life Insurance.

«سررسید معین» در تعریف فوق می‌رساند که تقسیم‌بندی ذکر شده در مورد بیمه عمر به شرط فوت در اینجا صدق نخواهد کرد و در واقع بیمه تمام عمر به شرط حیات، فاقد معنا است.

۱-۲-۱-۳- بیمه عمر مختلط

در این قرارداد، خطر فوت و احتمال زنده ماندن بیمه شده، به صورت همزمان تحت پوشش می‌گیرد. بدین صورت که سرمایه بیمه به دو صورت قابل پرداخت خواهد بود: چنانچه بیمه شده، قبل از مدت معین شده در قرارداد فوت نماید، سرمایه موضوع قرارداد حسب مورد به ذینفع یا ورثه او پرداخت می‌شود و چنانچه تا پایان مدت معین شده زنده بماند نیز سرمایه مزبور حسب مورد به خود وی یا ذینفع معین شده توسط وی پرداخت می‌شود.^{۱۱}

۱-۲-۲- بیمه‌های عمر گروهی

بیمه‌های عمر گاهی با اشکال گروهی و جمعی ظاهر می‌شوند. در این قسم بیمه، سلامتی و حیات گروهی از افراد انسانی، از طریق یک شخص حقیقی یا حقوقی که قادر به فعالیت و عمل به نفع این گروه‌ها می‌باشد، موضوع بیمه قرار می‌گیرد در تعریف این قسم بیمه، می‌توان گفت: بیمه‌ای است که مجموعه‌ای از افراد دارای خصایص مشترک و شرایط فنی همانند را در مقابل یک یا چند خطر اصلی موضوع بیمه‌های اشخاص مانند فوت، از کارافتادگی و حوادث، مورد تأمین قرار می‌دهد.

عملکرد کلی بیمه گروهی متکی بر قراردادی است که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار اصلی بسته می‌شود. به عنوان مثال قرارداد توسط مدیر بنگاه به سود اعضا یا طبقه‌ای از اعضای یک بنگاه با شرکت بیمه منعقد می‌شود لیکن اثر این قرارداد به خودی خود و بدون رضایت بیمه‌شدگان، شامل ایشان نمی‌شود بلکه هر یک از اعضای گروه موضوع قرارداد، در صورت تمایل می‌توانند رضایت خود را برای الحاق به این رابطه قراردادی اعلام نمایند. لازم به ذکر است که الحاق به قرارداد به معنای قرارداد الحاقی نیست بلکه اثر الحاق، بر خورداری شخص از مزایای قراردادی است که قبلاً میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد شده است لذا تعهد پرداخت حق بیمه، کماکان بر عهده بیمه‌گذار است و بیمه‌گر تنها حق رجوع به وی را دارد.^{۱۲}

بیمه گروهی اصولاً اختیاری است، مانند: بیمه عمر وام‌گیرندگان یک بانک. لیکن مواردی نیز دیده شده است که مقررهای، بیمه عمر گروهی را اجباری ساخته است.^{۱۳}

11 · Bacon, David, op. cit, p.59.

12 · Ibid, p.101-102.

۱۳. ر.ک تصویب‌نامه شماره ۵۰۲۴/ت/۲۵۳ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۱ هیئت وزیران که به پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور، بیمه عمر و حوادث کارکنان دولت را اجباری ساخته است.



۲- اوصاف قرارداد بیمه عمر

قرارداد بیمه عمر، مانند سایر قراردادها دارای ویژگی‌هایی است که شناختن آن‌ها وجوه تمایز و اشتراک این قرارداد را با سایر قراردادها نشان می‌دهد. غرض ما در این نوشتار اطاله کلام در کلیات نیست لیکن از آنجا که برخی نویسندگانی که در زمینه بیمه عمر به طرح مطالب پرداخته‌اند، برخی مباحث را به نحو ناصحیح و متشتت مطرح نموده‌اند، در اینجا به مهم‌ترین ویژگی‌های بیمه عمر می‌پردازیم و تحلیل انتخابی خود را نیز مطرح می‌نماییم.

۲-۱- از حیث معین یا نامعین بودن

می‌دانیم که عقد معین عبارت است از عقدی که در قانون نام خاص دارد و قانون‌گذار شرایط ویژه و آثار آن را معین نموده است.^{۱۴} برای اثبات معین بودن قرارداد بیمه عمر یا باید پذیرفت که این قرارداد در قالب یکی از عقود معین قانون مدنی قرار می‌گیرد یا اینکه بتوان معین بودن آن را از سایر مقررات مربوط، استنباط کرد. بحث نخست، یعنی یکسان پنداشتن قرارداد بیمه عمر با عقودی چون وصیت، صلح و مضاربه، مردود است و در اثبات بطلان این نظریه ادله گوناگونی اقامه شده است.^{۱۵} لیکن در باب احتمال دوم، برخی چنین اظهار نظر کرده‌اند که قراردادهای بیمه عمر به هر قسمی که باشند، هیچ‌کدام از شرایط مذکور در تعریف عقود معین را ندارد تا در زمره آن‌ها محسوب شوند. سکوت قانون مدنی و اشاره‌ای به بیمه عمر در قانون بیمه بدون ذکر شرایط و ارکان آن، این نوع قراردادها را به‌هیچ‌وجه در قالب عقود معین وارد نمی‌سازد و هر عقیده‌ای در خصوص عقد معین دانستن این قراردادها «چنانچه توسط بیشتر حقوقدانان ارائه شده» فاقد تحلیل حقوقی و بدون توجه به ماهیت این نوع قراردادها است.^{۱۶}

قائلین به نظریه فوق، صورت مسئله را به غلط مطرح کرده‌اند، و به تبع آن نتیجه‌ای نادرست نیز استخراج نموده و دیگران را نیز به اشتباه متهم می‌نمایند. توضیح آن که در بحث معین یا نامعین بودن عقود، هیچ‌گاه سراغ اقسام یک عقد نمی‌رویم تا معین بودن همه اقسام را یک به یک اثبات نماییم. تلاش برای اثبات عقد معین بودن بیمه عمر، با استفاده از ملاک‌های داشتن نام معین در قانون و بیان شرایط و آثار خاص برای آن توسط

۱۴. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج اول، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ۱.

۱۵. عبادی بشیر، مقصود، آثار و اوصاف قرارداد بیمه عمر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۳، صص ۴۱-۴۹.

۱۶. امامی، محمد، مصطفی‌السان، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بیمه عمر، پژوهشنامه بیمه، شماره هفتاد و چهارم، ۱۳۸۳، ص ۶۷.

مقنن، مانند آن است که ما اجاره اتومبیل را که قسمی از اجاره است در نظر بگیریم و بگوییم که چون خصایص فوق در آن وجود ندارد، علی‌رغم آن که خود اجاره عقدی معین است، لیکن اجاره اتومبیل یک عقد غیر معین محسوب می‌شود؛ بر همین منوال است سنجیدن هبه مال منقول و جعاله عام و... بیان فوق، ضعف استدلال مذکور را نشان می‌دهد. طریق صحیح آن است که به اثبات معین بودن عقد اصلی یا عقد مادر بپردازیم و در صورت اثبات این امر، همه اقسام آن نیز، به تبع عقد مادر، عقد معین محسوب خواهند شد؛ همان‌گونه که تمام اقسام اجاره به تبع خود اجاره، معین محسوب می‌شوند. با توجه به آنچه گفته شد چنانچه خود عقد بیمه، عقدی معین محسوب گردد، اقسام آن نیز به تبع معین محسوب می‌شوند لذا صرف نظر از عقاید برخی نویسندگان که بیمه را عقدی نامعین می‌دانند^{۱۷} امروز نباید تردیدی داشت که با توجه به اینکه عقد بیمه هم نام و هم شرایط و آثار خاص آن در قانون آمده است، عقد معین محسوب می‌شود.^{۱۸}

۲-۲- از حیث لزوم یا جواز عقد

قانون مدنی، عقد لازم و جایز را تعریف نموده است. مطابق ماده ۱۸۵ قانون مدنی «عقد لازم آن است که هیچ‌یک از طرفین معامله، حق فسخ آنرا نداشته باشد مگر در موارد معینه» و مطابق ماده ۱۸۶ «عقد جایز آن است که هریک از طرفین بتواند هر وقت بخواهد آن را فسخ کند». تعریف ماده ۱۸۶ تمایز میان عقود جایز و لازم خیاری را به‌درستی نشان نمی‌دهد. این تعبیر می‌تواند متأثر از پیشینه فقهی این مسئله باشد زیرا جایز در فقه در دو معنا به کار رفته است؛ نخست به معنای عقد قابل فسخ، حال سبب فسخ هر چه باشد اعم از خیار و نیز اقتضای خود عقد، که مطابق این مفهوم، عقد لازم به معنای عقدی است که هیچ خیاری در آن نباشد. لیکن جایز اصطلاحی، ناظر به جایی است که یک عقد ذاتاً و بدون خیار، قابل فسخ باشد. عقد جایز وقتی که بدون قرینه و مطلق به کار می‌رود به همین معنی است و از این جهت است که می‌گویند خیار، مختص عقود لازم است.^{۱۹}

باید دانست که هنگامی که در لزوم یا جواز عقدی تردید شود مشهور فقها و حقوقدانان معتقدند که اصل بر لزوم عقد است که هم در فقه ادله متعددی برای آن اقامه شده است^{۲۰} و هم در حقوق کنونی مشهور حقوقدانان از ماده ۲۱۹ قانون مدنی

۱۷. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، ج پنجم، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

۱۸. شهیدی، همان منبع، ص ۷۹.

۱۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، لزوم و جواز عقود و ایقاعات، تحولات حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۴۲.

۲۰. بجنوردی، سیدحسین بن آقا بزرگ موسوی، القواعد الفقهیه، ج پنجم، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۷، ص. ۱۹۹؛ سبحانی، جعفر، دراسات موجزه فی الخیارات و الشروط، قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳، صص ۱۴-۱۵.



همین مهم را استنباط می‌نمایند.^{۲۱}

در باب لزوم و جواز قرارداد بیمه عمر و به‌طور کلی عقد بیمه، نصی وجود ندارد. لذا می‌توان به استناد اصل لزوم قراردادها، عقد بیمه و اقسام آن را عقدی لازم تلقی نمود. علاوه بر اصل مذکور مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ قانون بیمه که در موارد معینی، حق فسخ مقرر نموده‌اند، خود مؤیدی بر لزوم عقد بیمه است.^{۲۲} نکته‌ای که در ارتباط با بیمه عمر وجود دارد این است که این قرارداد، ماهیتاً سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و برخلاف اصل کلی اجباری بودن پرداخت حق بیمه و اینکه بیمه‌گر همه‌وقت حق دارد حق بیمه‌هایی را که سررسید آن‌ها فرا رسیده است از بیمه‌گذار مطالبه کند، بیمه عمر از این قاعده مستثنی است.^{۲۳} این مهم در ماده L۱۳۲-۲۰ کد بیمه‌های فرانسه پیش‌بینی شده است و لذا بیمه‌گر هیچ‌گاه نمی‌تواند الزام بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه را از دادگاه بخواهد.^{۲۴} وجود این قاعده در بیمه عمر موجب شده است که برخی، این قرارداد را استثنایی بر اصل لزوم عقد بیمه بدانند و بیمه عمر را جایز تلقی کنند. زیرا همان‌طور که گفتیم این قرارداد نوعی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز برای آتیه است و نمی‌توان کسی را به آن ملزم نمود.^{۲۵} برای تقویت این نظریه می‌توان گفت هیچ ملازمه‌ای میان لزوم یک عقد و اقسام آن وجود ندارد، همان‌گونه که خود هبه عقد جایز است، لیکن هبه اقارب که قسمی از اقسام هبه است، قابل رجوع نیست.^{۲۶} در مقابل تحلیل فوق، می‌توان گفت حداکثر استفاده‌ای که از عدم لزوم ادامه سرمایه‌گذاری می‌توان نمود، جایز بودن عقد نسبت بیمه‌گذار است نه نسبت به هر دو طرف؛ البته ممکن است مراد قائلین به نظریه فوق نیز همین بوده باشد. این نتیجه‌ای است که برخی نویسندگان فعلی از وضعیت حقوقی قرارداد بیمه عمر استنباط نموده‌اند.^{۲۷} به نظر می‌رسد نظریه فوق اگرچه در نتیجه صحیح است لیکن برخی در مقام تحلیل مبنای آن به خطا رفته‌اند.

۲۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳ به بعد؛ امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج اول، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۵۲، ص ۲۳۰؛ طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ج دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸، ص ۱۲.

۲۲. آل‌شیرازی، محمد، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی، پژوهشنامه بیمه، شماره شصت و ششم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶.

۲۳. مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران، موسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۹، ص ۲۷۳.

۲۴. اوبر، ژان لوک، بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه: جانعلی محمود صالحی، تهران، بیمه مرکزی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۴۰ به بعد.

۲۵. محمود عرفانی، همان منبع، ص ۱۵.

۲۶. بهبهانی کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید، مقامع الفضل، ج دوم، قم، مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی، چاپ اول، ۱۴۲۱، ص ۴۹۹؛ بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، ج سوم، قم، دفتر معظم‌له، چاپ دوم، ۱۴۲۶، ص ۴۱۰.

۲۷. عبادی بشیر، پیشین، ص ۵۳؛ امامی، السان، پیشین، ص ۷۲.

توضیح آنکه، برخی به تصور اینکه در حقوق غربی تقسیم‌بندی عقود به یک تعهدی و دو یا چندتعهدی همان تقسیم‌بندی موجود در حقوق ایران از حیث لزوم یک‌جانبه یا دو‌جانبه عقود است، معتقدند که چون در حقوق غربی، عقد بیمه یک قرارداد با تعهد یک‌جانبه است و بیمه‌گذار تعهدی به پرداخت حق بیمه ندارد^{۲۸} پس این عقد از یک طرف جایز و از سوی دیگر لازم است.^{۲۹} لیکن باید دانست عقد بیمه، عقد یک تعهدی محسوب نمی‌شود زیرا این‌گونه نیست که بیمه‌گذار متعهد به پرداخت حق بیمه نباشد بلکه وی نیز متعهد است، لیکن این تعهد، تعهدی است جایز. تحلیل فوق‌الذکر مبتنی بر این عقیده است که آنچه قابل انحلال است و متعهد به‌دلخواه می‌تواند از آن بگریزد، «التزام» محسوب نمی‌شود^{۳۰} که خود استدلالی سطحی است که وجود و لزوم تعهد را خلط کرده است. باید دانست، همان‌گونه که هیچ ملازمه‌ای میان امکان ایجاد تعهد و امکان انحلال آن وجود ندارد جهت عکس آن نیز صادق است که امکان انحلال تعهد نیز با وجود آن تعارضی ندارد.^{۳۱} لذا ما در نتیجه با تحلیل فوق‌الذکر موافقیم لیکن استدلال نظریه مزبور را نمی‌پذیریم.

۳- آثار قرارداد بیمه عمر

آثار عقد بیمه عمر را باید نسبت به دو گروه اشخاص، به طور مجزا بررسی نمود.^{۳۲} از یک سو این قرارداد، موجد آثاری نسبت به طرفین عقد است و از سوی دیگر با توجه به آن که در برخی اقسام بیمه عمر، لزوماً ذینفع، شخصی غیر از بیمه‌گذار است و در برخی دیگر نیز ممکن است ذینفع، شخصی غیر از بیمه‌گذار باشد، لازم است آثار این عقد نسبت به ثالث که در واقع همان ذینفع است نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- آثار عقد نسبت به طرفین

بیمه‌گر و بیمه‌گذار، طرفین عقد بیمه عمر هستند که به موجب این عقد برای ایشان حقوق و تعهداتی پدید می‌آید. غرض ما در این نوشتار بیان تمام و حقوق و تعهدات طرفین قرارداد نیست بلکه مختصراً به حقوق و تعهدات اساسی ایشان اشاره می‌نماییم.

28 . Black, Kenneth (1988), Life Insurance, Practice Hall, 11th ed, p.119.

۲۹. عبادی بشیر، همان منبع، ص ۵۳.

۳۰. مارتی و رینو، ج دوم (تعهدات)، ش ۳۱۷؛ ریپروبولانژه، ج دوم، ش ۱۱۷۵؛ پلنیول و ریپر، ج ششم به وسیله اسمن، ش دهم؛ مازو، دروس حقوق مدنی، ج دوم (تعهدات)، ش ۳۶۰ (نقل از کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: ایقاع، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸).

۳۱. غروی نایینی، میرزا محمدحسین، منیه‌الطالب فی حاشیه‌المکاسب، ج دوم، تهران: المکتبه‌المحمدیه، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳ «مجرد تعهد و التزام من احدهما للأخر من غیر تعقبه بعقد و معاوضه اصلا و هذا هو المراد من الشروط الابتدائیه و لاشبهه فی عدم افادتها للزوم».

۳۲. صادقی مقدم، شکوهی زاده، همان منبع، ص ۱۹۳.



۳-۱-۱- حقوق و تعهدات بیمه‌گذار

مهمترین تعهد بیمه‌گذار در بیمه عمر پرداخت حق بیمه است و در مقابل حقوقی برای وی نسبت به بیمه‌نامه به وجود می‌آید. موضوع این بند بررسی این حقوق و تعهدات است.

۳-۱-۱-۱- تعهدات بیمه‌گذار

مهمترین و اساسی‌ترین تعهد بیمه‌گذار پرداخت حق بیمه است. ماده یک قانون بیمه اشعار می‌دارد که بیمه‌گر در ازای پرداخت حق بیمه، جبران خسارت یا تأدیه وجه معین را به عهده می‌گیرد. برخلاف سایر انواع بیمه، در بیمه عمر پرداخت حق بیمه از طرف بیمه‌گذار اجباری نیست. یعنی بیمه‌گذار می‌تواند هر وقت مایل باشد از ادامه پرداخت حق بیمه امتناع نماید. باید دانست که بدون مراعات این اصل، فلسفه بیمه عمر و نقش اقتصادی آن متزلزل می‌شود. اگر تعهد بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه، قطعی و غیرقابل رجوع باشد، بیمه‌گذار از انعقاد عقد بیمه عمر منصرف می‌شود، زیرا، قراردادهای بیمه عمر، معمولاً بلندمدت هستند و میزان حق بیمه نیز زیاد است لذا اجبار بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه بدون توجه به وضعیت مالی و اقتصادی وی، بیمه عمر را از کارکرد خود به‌عنوان عامل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختیاری دور می‌کند. از اختیاری بودن پرداخت حق بیمه در قراردادهای بیمه عمر این نتیجه گرفته می‌شود که در صورت عدم پرداخت آن بیمه‌گر برای اجبار بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه نمی‌تواند به دادگستری مراجعه کند این موضوع در ماده L۱۳۲-۲۰ کد بیمه‌های فرانسه بدین صورت مورد پیش‌بینی واقع شده است: «مؤسسه بیمه حق تعقیب برای اجبار بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه را ندارد.^{۳۳}» از این امر نباید چنین نتیجه گرفته شود که تعهد بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه، یک تعهد طبیعی است، زیرا، تعهد طبیعی هیچ ضمانت اجرایی ندارد و دارنده حق طبیعی به‌هیچ‌وجه برای الزام متعهد نمی‌تواند به دادگستری مراجعه کند، درحالی‌که بیمه‌گر می‌تواند ضمانت‌های دیگری غیر از مراجعه به دادگستری مثل فسخ قرارداد را اعمال کند.^{۳۴} قاعده اختیاری بودن پرداخت حق بیمه استثنای مهمی دارد و آن این است که اگر بیمه‌گذار در مقابل شخص ثالث ملزم به تهیه و تدارک بیمه‌نامه عمر به سود او شده باشد. دیگر پرداخت حق بیمه برای او اختیاری نیست و شخص ثالث ذینفع می‌تواند الزام او را از دادگستری جهت پرداخت حق بیمه بخواهد. نمونه چنین امری در بیمه عمر مانده بدهکار به سود طلبکار دیده می‌شود.

33. Art. L 132-20: L'entreprise d'assurance ou de capitalisation n'a pas d'action pour exiger le paiement des primes.

۳۴. مشایخی، همان منبع، ص ۲۷۱.

۳-۱-۱-۲- حقوق بیمه‌گذار

وقتی که قرارداد بیمه عمر دارای اندوخته ریاضی قابل توجهی شود، می‌گوییم بیمه‌نامه دارای ارزش است. اصولاً در قراردادهای بیمه عمر، بیمه‌گر جهت انجام تعهدات آتی خویش مجبور به جمع‌آوری ذخیره است که ذخیره ریاضی^{۳۵} نام دارد. این ذخیره از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش اول مربوط به اضافه حق بیمه‌هایی است که طی سال‌های اول انعقاد عقد بیمه و تا اواسط اعتبار آن پرداخت شده و از اواسط قرارداد به بعد کمبود حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذار را تحت پوشش قرار می‌دهد. بخش دیگر ذخیره ریاضی مربوط به وجوهی است که بیمه‌گر برای تشکیل سرمایه‌ای که قرار است در صورت بروز حادثه یا رسیدن موعد معین پرداخت شود، جمع‌آوری می‌کند.^{۳۶} تشکیل ذخیره ریاضی موجد حقوقی برای بیمه‌گذار است و وی می‌تواند نسبت به تخفیف سرمایه، بازخرد، وام از محل ذخیره ریاضی و وثیقه گذاشتن بیمه‌نامه اقدام کند. اما در رابطه با اجرای این حقوق دو نکته شایان توجه است: اول اینکه اجرا و اعمال این امتیازهای مالی که برای بیمه‌گذار شناخته شده، تأثیر متفاوتی روی قرارداد بیمه باقی می‌گذارد. در واقع از یک طرف، بازخرد یا کاهش سرمایه پیوندهای حقوقی الزام‌آور بیمه‌گر و بیمه‌گذار را تغییر می‌دهد، بدین معنی که بازخرد موجب پایان گرفتن روابط قراردادی آن‌ها می‌شود و کاهش سرمایه باعث تنزل ارزشی و اهمیت روابط قراردادی آن‌ها می‌گردد. برعکس وام روی بیمه‌نامه و در وثیقه قراردادن آن موجب ادامه آثار قرارداد بیمه می‌شود. دوم اینکه درحالی که بازخرد، تخفیف سرمایه و وام گرفتن از محل ذخیره ریاضی، ارتباط مستقیم با ذخیره ریاضی دارد به طوری که بدون ذخیره ریاضی چنین حقوقی برای بیمه‌گذار قابل تصور نیست ولی امکان به وثیقه گذاردن بیمه‌نامه مشروط و منوط به وجود ذخیره ریاضی نیست. البته هنگامی که قرارداد بیمه دارای اندوخته ریاضی باشد، وثیقه قراردادن آن تضمین بیشتری برای بستانکار فراهم می‌آورد اما حتی هنگامی که قرارداد بیمه دارای هیچ‌گونه ذخیره ریاضی نباشد، وثیقه قراردادن بیمه‌نامه عمر زمانی می‌تواند تضمینی برای وصول طلب بستانکاران در صورت فوت زودرس بدهکار باشد.^{۳۷} اکنون این حقوق بیمه‌گذار را نسبت به بیمه‌نامه و ارزش آن یک به یک بررسی می‌کنیم:

۳-۱-۱-۲- سرمایه مخفف

قبلاً گفته شد که پرداخت حق بیمه عمر اجباری نیست و بیمه‌گذار می‌تواند هر وقت

35. Mathematical reserve.

۳۶. برای مطالعه در این زمینه ر.ک

Koller, Michael (2012), Stochastic Models in Life Insurance, Springer Science & Business Media, p.39.

۳۷. اوپر، همان منبع، ص ۵۰.



که بخواهد از پرداخت حق بیمه خودداری کند و از ادامه قرارداد منصرف شود. این امر ممکن است علل مختلفی داشته باشد. از جمله اینکه ممکن است بیمه‌گذار توانایی مالی خویش را از دست داده باشد و قادر به پرداخت حق بیمه نباشد و یا اینکه قرارداد بیمه برای وی ارزش خود را از دست داده باشد، مثلاً به این دلیل که ذینفعی که توسط وی تعیین شده، فوت کرده است. عدم پرداخت حق بیمه، موجب به هم خوردن تعادل بین تعهد بیمه‌گر در انقضای قرارداد یا در صورت وقوع حادثه از یک طرف و تعهد بیمه‌گذار از طرف دیگر می‌شود و بنابراین بیمه‌گر نمی‌تواند به تعهد خود بدون دریافت منظم حق بیمه وفا کند. در چنین حالتی برای بیمه‌گر دو راه بیشتر وجود ندارد یا قرارداد را فسخ کند و یا تعهدات خود را متناسب با حق بیمه‌های دریافتی که اندوخته ریاضی را به وجود آورده‌اند تقلیل دهد. به عبارت دیگر بیمه‌گذار از حق خود نسبت به اندوخته ریاضی به دو نحو می‌تواند استفاده کند یا بیمه‌نامه را باز خرید نماید یا سرمایه آن را تقلیل دهد. کاهش سرمایه بیمه در بیمه عمر خودبه‌خود انجام می‌شود، یعنی وقتی بیمه‌گذار پرداخت حق بیمه را قطع می‌کند، می‌تواند تقاضای تخفیف سرمایه را بکند و بیمه‌گر اگر ذخیره ریاضی وجود داشته باشد مجبور به قبول آن است. اما اگر درخواست تخفیف سرمایه مطرح نشود باز ممکن است امتناع از پرداخت حق بیمه منجر به کاهش سرمایه بیمه شود. با این عمل، بیمه‌گر سرمایه قابل پرداخت را به میزان کمتری کاهش می‌دهد. در بیمه، این سرمایه جدید را سرمایه مخفف می‌نامند. در حقیقت به جای اینکه اندوخته ریاضی بیمه به بیمه‌گذار مسترد شود، بیمه‌گر اندوخته ریاضی را حق بیمه واحد تلقی کرده و بر اساس آن مبلغ بیمه‌شده جدیدی محاسبه و تعیین می‌نماید.

امکان استفاده از سرمایه مخفف یک حق ممتاز و مخصوص بیمه‌گذار است^{۳۸} که وجود آن منوط به وجود شرایطی است و در صورت اجتماع این شرایط است که بیمه‌گر نمی‌تواند این حق را نادیده بگیرد.

۳-۱-۱-۲- باز خرید بیمه‌نامه

وقتی بیمه‌گذار پرداخت حق بیمه را قطع می‌کند تا میزان ذخیره ریاضی بیمه‌نامه‌اش در مقابل بیمه‌گر طلبکار محسوب می‌شود. در چنین وضعیتی اگر بیمه‌گذار به هر دلیل مایل به ادامه قرارداد نباشد می‌تواند از بیمه‌گر بخواهد که ذخیره ریاضی بیمه‌نامه او را استرداد نماید. این عمل را در اصطلاح بیمه، باز خرید می‌گویند و یکی از حقوق اختصاصی بیمه‌گذار است^{۳۹}. در واقع بیمه‌گر با استرداد ذخیره ریاضی به بیمه‌گذار

۳۸. اوپر، همان منبع، ص ۵۲.

۳۹. همان، ص ۵۷.

تعهد مشروط و مؤجل خود را حال کرده و با فوری کردن سررسید، دین آینده خود را باز خرید می کند و به عبارت دیگر باز خرید، پرداخت قبلی و زودتر از موعد ذخیره ریاضی به شمار می رود. از نظر حقوقی این عمل گونه‌ای تبدیل تعهد است که بر اساس آن بیمه‌گر تعهد اولیه خود بری می شود و تعهد جدیدی را با مبلغی، متناسب حق بیمه‌های پرداخت شده بر عهده می گیرد.

۳-۱-۱-۲-۳- وام از محل بیمه‌نامه

وقتی بیمه‌گذار نیاز به مبلغی پول پیدا می کند، باز خرید این امکان را به او می دهد که قسمتی از اندوخته ریاضی بیمه‌نامه خود را دریافت کند و نیاز مالی خویش را برطرف کند؛ ولی این عیب مهم را دارد که به طور قطع و برای همیشه به قرارداد بیمه عمر پایان می دهد. برای بیمه‌گر نیز باز خرید زیان بخش است زیرا از تعداد بیمه‌شدگان کاسته می شود و محاسبات آماری و فنی او نیازمند تغییر می شود. به این علت، شرکت‌های بیمه امکان جدیدی را برای بیمه‌گذاران به وجود آوردند که هم برای بیمه‌گر مناسب و مساعد است و هم برای بیمه‌گذار. در این طریق به جای آن که بیمه‌نامه باز خرید شده و قرارداد خاتمه پذیرد، بیمه‌گر از محل ذخیره ریاضی بیمه‌نامه، وامی را به بیمه‌گذار می دهد. وام از محل ذخیره ریاضی برای بیمه‌گذار این مزیت را دارد که بدون آن که لطمه‌ای به اعتبار و بنای بیمه‌نامه عمر وارد شود، نیازمندی مالی فوری خویش را مرتفع می سازد و با باز پرداخت وام دریافتی در بیمه‌نامه و مبلغ بیمه‌شده تغییری حاصل نمی شود.

میزان وام دریافتی روی بیمه‌نامه رابطه نزدیکی با وجود اندوخته ریاضی قرارداد بیمه دارد. به بیان دقیق تر قلمرو اجرایی آن با مسئله باز خرید قابل تطبیق است. در بیمه‌نامه‌ها قید می شود که هر بیمه‌گذاری به شرط وجود ارزش باز خرید می تواند درخواست وام کند. از این شرط چنین نتیجه گرفته می شود که برای دریافت وام مثل باز خرید، دو شرط ضروری است اول اینکه نوع بیمه عمر از انواعی باشد که برای آن ذخیره ریاضی تشکیل می شود. دوم اینکه حداقل زمان لازم جهت تشکیل این ذخیره سپری شده باشد؛ اما نباید از آن چنین نتیجه گرفته شود که وام روی بیمه‌نامه عمر نوعی باز خرید جزئی است؛ زیرا ویژگی‌های وام روی بیمه‌نامه غیر از ویژگی‌های باز خرید است:

اولاً: وقتی که تقاضای باز خرید از طرف بیمه‌گذار به بیمه‌گر داده می شود، اگر شرایط جمع باشد، قبول آن برای بیمه‌گر الزامی است ولی در مورد وام روی بیمه‌نامه چنین نیست و حتی با وجود اجتماع شرایط قبول آن برای بیمه‌گر اختیاری است و می تواند چنین تقاضایی را بنا به درخواست خود رد کند. از طرف دیگر میزان وام نیز کمتر از ارزش باز خرید و چیزی در حدود نود درصد آن است.



ثانیاً: وام روی بیمه‌نامه دارای آثاری متفاوت از آثار باز خرید است؛ زیرا چنان که گفته شد باز خرید، موجب قطع روابط قراردادی بیمه‌گر و بیمه‌گذار است در حالی که در حالت دریافت وام از روی بیمه‌نامه، قرارداد آغازین تغییر و تبدیل پیدا نمی‌کند. این امر نشانگر آن است که بیمه‌گذار همچنان متعهد پرداخت حق بیمه‌ها به همان ترتیب مورد توافق پیشین است؛ بیمه‌گر نیز ملزم به انجام تعهدات آغازین قرارداد بیمه می‌باشد.^{۴۰}

۳-۱-۱-۲-۴- توثیق بیمه‌نامه

این حق بیمه‌گذار، در کشورهایی که رهن طلب را پذیرفته‌اند با هیچ مشکلی مواجه نیست و پذیرفتن آن در حقوق داخلی منوط به پذیرش رهن طلب است.

۳-۱-۲- حقوق و تعهدات بیمه‌گر

در این قسمت مختصراً به طرح حقوق و تعهدات اصلی بیمه‌گر پرداخته می‌شود.

۳-۱-۲-۱- دریافت حق بیمه

پیش‌تر اشاره شد که اصلی‌ترین تعهد بیمه‌گذار، پرداخت حق بیمه است؛ لیکن باید دانست که این مهم از اقتضائات عقود معاوضی نیست. زیرا عوض در عقد بیمه، پرداخت مبلغ از سوی بیمه‌گر نیست، بلکه اطمینان و آرامش خاطری است که از سوی وی ایجاد می‌شود و پرداخت مبلغ موضوع قرارداد از تعهدات تبعی و ثانویه بیمه‌گر است. این تحلیل ما را به این نتیجه می‌رساند که بیمه‌گر در ازای عوض، شایسته دریافت معوض است لیکن همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد بیمه‌گذار ملزم به ادامه پرداخت حق بیمه‌ها نیست و اصولاً امکان الزام وی وجود ندارد.

۳-۱-۲-۲- پرداخت سرمایه بیمه

پیش‌تر اقسام بیمه عمر را بررسی نمودیم و دیدیم که بسته به خطر موضوع قرارداد در سه دسته‌بندی کلی قرار می‌گیرند؛ که عبارتند از: بیمه عمر به شرط حیات، به شرط فوت و مختلط. در تمامی اقسام بیمه عمر با تحقق خطر موضوع قرارداد، بیمه‌گر موظف است مبلغ مورد توافق را بپردازد. این مبلغ می‌بایست در هنگام انعقاد قرارداد مشخص شده باشد و در واقع مطابق بند ۷ ماده ۳ قانون بیمه مصوبه ۱۳۱۶، این امر یکی از شرایط صحت عقد بیمه محسوب می‌شود؛ ماده ۲۳ همان قانون نیز به صراحت همین موضوع را بیان نموده است.^{۴۱} لیکن تعهد بیمه‌گر، می‌تواند به صورت مطلق نباشد و با توافق طرفین برخی موارد از شمول تعهدات بیمه‌گر خارج شود. معمول است که سه موضوع را به عنوان استثنائات تعهد بیمه‌گر مطرح می‌نمایند:^{۴۲}

۴۰. اوپر، همان منبع، ص ۵۵.

۴۱. ماده ۲۳: «در بیمه عمر... مبلغ پرداختی بعد از مرگ... باید به‌طور قطع در موقع عقد بیمه معین شود...».

۴۲. عبادی بشیر، همان منبع، ص ۱۳۴ به بعد.

۲-۱- خودکشی بیمه شده

اگرچه این مصداق، در قانون بیمه مورد اشاره قرار نگرفته است لیکن می دانیم که طرفین قرارداد می توانند با توافق قرارداد را به نحو دلخواه خود تنظیم نمایند و استثنا نمودن تعهد بیمه گر در صورت خودکشی بیمه شده، با هیچیک از قواعد آمره در تعارض نیست.

۲-۲- خطر جنگ و شورش

ماده ۲۸ قانون بیمه مقرر می دارد: «بیمه گر مسئول خسارات ناشی از جنگ و شورش نخواهد بود مگر آن که خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد.» واضح است که لحن این ماده بیشتر ناظر به بیمه های خسارت است، لیکن استبعادی ندارد که از آن در بیمه های عمر استفاده نیز شود به گونه ای که چنانچه بیمه شده به جنگ برود یا در شورش شرکت نماید و منجر به فوت وی شود، بیمه گر مسئولیتی نداشته باشد. هر چند که لحن ماده می رساند که در صورت سکوت طرفین در بیمه نامه، بیمه گر فاقد مسئولیت است؛ لیکن شرکت های بیمه، به این امر اکتفا نمی کنند و صریحاً مسئولیت مواردی از این دست را از خود سلب می نمایند. مبنای این مهم آن است که نحوه تعیین حق بیمه ها محاسباتی ناظر به وضعیت جسمانی بیمه شده و مربوط به شرایط عادی زندگی است و شرایط استثنایی مانند جنگ این محاسبات را بر هم می زند.

۲-۳- به قتل رسیدن بیمه شده توسط ذینفع

اگرچه قتل بیمه شده، توسط ذینفع به عنوان یکی از استثنائات تعهد بیمه گر مطرح شده است، لیکن باید قائل به تفصیل شده و با تفکیک روابط، تحلیل صحیحی از موضوع ارائه نمود. در صورتی که این مهم به عنوان یکی از استثنائات تعهد بیمه گر، در بیمه نامه مورد تصریح قرار گیرد، مطابق اصل آزادی قراردادی با هیچ اشکالی مواجه نیست. لیکن چنانچه این مهم در قرارداد نیاید، در صورت قتل بیمه شده توسط ذینفع، می توان با وحدت ملاک از ماده ۸۸۰ قانون مدنی^{۴۳}، ذینفع را از دریافت مبلغ موضوع بیمه نامه محروم دانست؛ لیکن این مهم سبب برائت بیمه گر نمی شود؛ بلکه باید گفت در این حالت مانند جاییکه ذینفع معین نشده است یا تعیین ذینفع فاقد آثار قانونی است، مطابق ماده ۲۴ قانون بیمه، سرمایه بیمه نامه به وراثت بیمه گذار می رسد.

۲-۳- آثار عقد نسبت به شخص ثالث

پیشتر اشاره شد که قرارداد بیمه عمر از قراردادهایی است که آثار آن اصولاً به طرفین قرارداد محدود نمی شود و در غالب موارد، آثار آن به اشخاص ثالث که ذینفع بیمه عمر نامیده می شوند، سرایت می نماید. مهم ترین اثر عقد بیمه برای ذینفع آن

۴۳. ماده ۸۸۰: «قتل از موانع ارث است. بنابراین، کسی که مورق خود را عمداً بکشد از ارث ممنوع می شود، اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.»



است که در صورت تحقق حادثه موضوع عقد، سرمایه بیمه به وی تعلق می‌گیرد. بحث تعیین و عزل ذینفع، فروعات و مباحث عمده‌های را تحت پوشش قرار می‌دهد که طرح همه آنها در این مجال ضروری به نظر نمی‌رسد اما با توجه به آن که در ادامه این نوشتار، هنگام طرح مباحث مربوط به «بیمه عمر مانده بدهکار»، از برخی قواعد حاکم بر تعیین ذینفع در مطلق قرارداد بیمه عمر، فاصله گرفته می‌شود، لازم است در اینجا مختصراً برخی مباحث پیرامون تعیین و عزل ذینفع در بیمه عمر به طور کلی مطرح شود که هنگام بیان خصایص بیمه عمر مانده بدهکار، انحراف قواعد این نهاد از قواعد حاکم بر بیمه‌های عمر به خوبی مشخص گردد.

۳-۲-۱- تعیین ذینفع

اطلاق هر عقد اقتضا دارد که آثار حقوقی و التزامات و تعهدات ناشی از عقود، تنها در مورد طرفین عقد مؤثر باشد. از این اثر عقد به اصل نسبی بودن آثار عقد تعبیر می‌شود و منظور آن است که اشخاص ثالثی که در انعقاد عقد شرکت نداشته‌اند، هیچ حق یا تعهدی بر اساس آن عقد نخواهند داشت. این اصل مبتنی بر استقلال و آزادی افراد در ایجاد روابط حقوقی است.

اصل نسبی بودن آثار عقد بدون استثنا نمانده است؛ زیرا که تعهد به سود ثالث مورد قبول واقع شده است. چنان که مواد ۱۹۶ و ۲۳۱ قانون مدنی به صراحت این امر را پیش‌بینی کرده است. یکی دیگر از مصادیق تعهد به سود ثالث در بیمه عمر دیده می‌شود؛ زیرا ذینفع قرارداد گاهی بیمه‌گذار یعنی عاقد قرارداد بیمه و گاهی شخص دیگری است. در فرض اخیر تعهد به سود ثالث به‌عنوان استثنای اصل نسبی بودن آثار قراردادهای تحقق یافته است.

ذینفع شخصی است که بیمه‌گذار وی را تعیین می‌کند تا سرمایه یا مستمری مقرر در قرارداد را دریافت کند.

تعیین شخص ثالث ذینفع از سرمایه بیمه، معمولاً در بیمه‌نامه صورت می‌گیرد. یعنی در بخشی که به درج مشخصات ذینفع اختصاص یافته است، مشخصات ذینفع درج می‌شود. اما این طریقه تعیین تنها راه تعیین ذینفع از سرمایه بیمه نیست بلکه این عمل ممکن است از طریق اسناد دیگری نظیر وصیت‌نامه و یا حتی یک سند عادی که به امضای بیمه‌گذار رسیده است، صورت گیرد. زیرا از لحاظ قانونی هیچ شکل خاصی برای تعیین ذینفع معین شده است. در صورتی که تعیین ذینفع بدون درج در بیمه‌نامه صورت گرفته باشد ضروری است که به اطلاع بیمه‌گر برسد تا سند تعیین‌کننده ذینفع به بیمه‌نامه ملحق می‌شود.



اگر در قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گذار خود بیمه‌شده باشد تعیین ذینفع فقط با نظر بیمه‌گذار صورت می‌گیرد؛ اما اگر بیمه‌گذار غیر از بیمه‌شده باشد، بیمه‌شده باید رضایت کتبی خود را اعلام دارد وگرنه تعیین ذینفع اثری نخواهد داشت. این امر از ماده ۲۳ قانون بیمه استنباط می‌شود که مقرر داشته است: «... بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری، در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود کتباً را نداده باشد باطل است...»

درست است که در این ماده رضایت بیمه‌شده در مرحله انعقاد قرارداد عقد شرط شده است ولی بیمه‌گذار نمی‌تواند با تغییرات بعدی برخلاف میل و نظر بیمه‌شده عمل کند و بیمه‌نامه را به کسی منتقل کند که مورد موافقت بیمه‌شده نباشد. به این ترتیب بیمه‌گذار نمی‌تواند بدون جلب رضایت بیمه‌شده، ذینفعی را تعیین کند یا او را تغییر دهد و رضایت اولیه بیمه‌شده برای تغییرات بعدی کافی نیست.^{۴۴}

۳-۲-۲- قابلیت عزل ذینفع

پس از اینکه بیمه‌گذار شخصی را به عنوان ذینفع سرمایه بیمه عمر معین کرد ممکن است در اثر عواملی از نظر پیشین خود منصرف شده و تمایل داشته باشد که ذینفع معین شده را عزل کند و به جای او شخص دیگری را قرار دهد یا اصلاً کسی را به طور مشخصی به عنوان ذینفع تعیین نکند. حال این سؤال مطرح است که آیا بیمه‌گذار از چنین حقی برخوردار است که ذینفع تعیین شده را عزل کند؟

برخی معتقدند اگر تعیین ذینفع به صورت معوض صورت گرفته باشد یعنی مثلاً برای تضمین پرداخت یک دین باشد، بیمه‌گذار حق عزل ذینفع تعیین شده را نخواهد داشت^{۴۵}؛ اما در صورتی که تعیین به صورت غیر معوض و مجانی صورت گرفته باشد مسئله باید با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا دیدگاه‌ها در این خصوص متفاوت است. در حقوق فرانسه حق عزل ذینفع تابع اعلام قبولی او است. به این ترتیب که تا زمانی که وی قبولی خود را اعلام نکرده است، بیمه‌گذار می‌تواند وی را عزل کند. ولی به محض اینکه ذینفع قبولی خود را اعلام داشت، حق عزل بیمه‌گذار ساقط می‌شود و شرط به سود ثالث غیر قابل برگشت و حذف ناشدنی می‌شود.

این تفصیل در حقوق ایران، هیچ مبنای قانونی ندارد و با توجه به ماده ۲۵ قانون بیمه که مقرر می‌دارد: «بیمه‌گذار حق دارد ذینفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد؛ مگر آن که آن را به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد.» می‌توان مدعی شد که در حقوق ایران حتی قبولی شخص ثالث مانع از

۴۴. مشایخی، همان منبع، صص ۳۷۵-۳۷۶.

۴۵. عبادی بشیر، همان منبع، ص ۳۳.



این نیست که وی بتواند ذینفع را عزل کند؛ زیرا، ماده ۲۵ قانون مذکور اطلاق دارد به طوری که هم دوران قبل از قبولی را شامل می‌شود و هم دوران پس از قبولی را. عزل ذینفع توسط بیمه‌گذار ممکن است به طور صریح یا ضمنی باشد. عزل صریح ناظر به موردی است که بیمه‌گذار اراده و تمایل خود را نسبت به عزل ثالث ذینفع اعلام می‌کند. اما عزل ضمنی ناشی از عمل جداگانه و مستقل بیمه‌گذار است که با تمایل او به اختصاص سرمایه بیمه به ذینفع تعیین شده مغایرت و تضاد دارد. بنابراین در صورتی که بیمه‌گذار ذینفع جدیدی را معین کند و ذینفع پیشین را به طور صریح حذف نکرده باشد، ممکن است چنین تعبیر شود که او ذینفع اولی را عزل کرده است و نیز هنگامی که بیمه‌گذار اقدام به بازخرید بیمه‌نامه می‌کند به طور ضمنی ذینفع را عزل می‌کند.

عزل به صورت نسبی نیز ممکن است؛ یعنی بیمه‌گذار به جای اینکه ذینفع نخست را به طور کامل از مزایای بیمه محروم کند فقط از قسمتی از آن محروم می‌کند؛ مثلاً بیمه‌گذار به جای حذف قطعی ذینفع شخص دیگری را نیز به عنوان ذینفع معین می‌کند و قرار می‌شود که هر دو از مزایای بیمه عمر بهره‌مند شوند. روشن است که حق ذینفع نخست، به نصف کاهش پیدا می‌کند. همچنین در صورتی که بیمه‌نامه به علت قطع پرداخت حق بیمه‌ها به بیمه‌نامه با سرمایه مخفف تبدیل می‌شود یا در صورتی که بیمه‌گذار روی بیمه‌نامه وام گرفته و اقساط آن را پس نداده باشد تا میزان سرمایه کاهش یافته، ذینفع به طور ضمنی و نسبی عزل شده محسوب می‌شود.

همچنین اگر قائل به صورت وثیقه قراردادن بیمه‌نامه به عنوان یک سند دارای ارزش باشیم این امر می‌تواند موجبات عزل ذینفع را فراهم کند؛ اما اگر بیمه‌گذار به موقع دین خود را پرداخت کند و بیمه‌نامه را از رهن خارج کند، مزایای بیمه‌نامه برای ذینفع حفظ خواهد شد.^{۴۶}

۳-۲-۳- اثر رد یا عزل ذینفع

ممکن است شخص ثالث ذینفع پس از اطلاع از انتخاب به عنوان ذینفع، این امر را رد کند و یا توسط بیمه‌گذار عزل شود. در این موارد اگر بیمه از نوع بیمه عمر به شرط حیات باشد، سرمایه بیمه به خود بیمه‌گذار اختصاص پیدا می‌کند؛ اما اگر بیمه از نوع بیمه عمر به شرط فوت باشد، تابع فرضی است که بیمه‌گذار شخصی را به عنوان ذینفع معین نکرده است. در این صورت ممکن است گفته شود که سرمایه بیمه به ترکه بیمه‌گذار افزوده می‌شود، چنان که رویه حقوق فرانسو نیز چنین است؛ زیرا در هر تعهد



به سود ثالث این شرط ضمنی وجود دارد که اگر شخص ثالث آن را رد کرد و یا به هر دلیل دیگر تعهد به سود ثالث قابل اجرا نبود، این تعهد به نفع مشروط له قابل اجرا است. در حقوق ایران این حکم حداقل در مورد بیمه عمر مورد پذیرش واقع نشده است؛ زیرا بر اساس ماده ۲۴ قانون بیمه، اگر ذینفع خاص تعیین نشده باشد فرض بر آن است که وراثت بیمه‌گذار به عنوان ذینفع معین شده‌اند. چنان که در این ماده می‌خوانیم:

«در وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی متوفی پرداخته شود مگر اینکه در مورد موقع عقد یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.»

بنابراین به غیر از موردی که شخص خاص به عنوان ذینفع معین شده باشد در بقیه موارد ورثه به عنوان ذینفع شناخته خواهد شد و نیز اگر تعیین شخص ثالث به عنوان ذینفع نامشروع شناخته شود، مثل عدم تعیین ذینفع است و لذا سرمایه بیمه به ورثه بیمه‌گذار می‌رسد.



نتیجه گیری

از پژوهش حاضر نتایجی به شرح زیر قابل استخراج است:
بیمه های عمر به دو دسته بیمه های عمر انفرادی و گروهی تقسیم می شوند. بیمه های عمر انفرادی نیز دارای سه قسم می - باشند که عبارتند از بیمه عمر به شرط حیات، بیمه عمر به شرط فوت و بیمه عمر مختلط.

برخلاف تصور برخی بیمه عمر خود یک عقد معین در عرض سایر بیمه ها نیست بلکه خود عقد بیمه یک معین است و به تبع آن تمام اقسام بیمه نیز عقد معین محسوب می گردند. همچنین قرارداد بیمه عمر علیرغم آن که نصی در خصوص لزوم و جواز آن وجود ندارد با توجه به اقتضای آن که سرمایه گذاری محسوب می شود، از جانب بیمه گذار جایز است؛ لیکن از جانب بیمه گر مشمول اصل لزوم قراردادها است.

بیمه گذار متعهد است تا زمانی که قرارداد بیمه عمر را فسخ نکرده، حق بیمه را بپردازد و حقوق وی که از این قرارداد ناشی می شود عبارتند از سرمایه مخفف، باز خرید بیمه نامه، دریافت وام از محل بیمه نامه و امکان توثیق بیمه نامه عمر.

در جایی که دینفع بیمه عمر شخصی غیر از بیمه گذار باشد برخلاف حقوق فرانسسه، همواره بیمه گذار می تواند دینفع را عزل نموده و شخص دیگری را جایگزین نماید. اگر شخص ثالث دینفع پس از اطلاع از انتخاب به عنوان دینفع، این امر را رد کند اگر بیمه از نوع بیمه عمر به شرط حیات باشد، سرمایه بیمه به خود بیمه گذار اختصاص پیدا می کند؛ اما اگر بیمه از نوع بیمه عمر به شرط فوت باشد، ورثه بیمه گذار دینفع محسوب می شوند.

فهرست منابع:

- ۱- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۵۲.
- ۲- امامی، محمد، مصطفی‌السان، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بیمه عمر، پژوهشنامه بیمه، شماره هفتاد و چهارم، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۸۶.
- ۳- اوبر، ژان لوک، بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه جانعلی محمود صالحی، تهران: بیمه مرکزی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۴- آل‌شیخ، محمد، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی، پژوهشنامه بیمه، شماره شصت و ششم، ۱۳۸۸، صص ۱۰۵-۱۳۸.
- ۵- بجنوردی، سیدحسن بن آقا بزرگ موسوی، القواعد الفقهیه، ج پنجم، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۷.
- ۶- بهبهانی کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید، مقامع الفضل، ج دوم، قم، مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، چاپ اول، ۱۴۲۱.
- ۷- بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، ج سوم، قم، دفتر معظم‌له، چاپ دوم، ۱۴۲۶.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، لزوم و جواز عقود و ایقاعات، تحولات حقوق خصوصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۹- سبحانی، جعفر، دراسات موزجه فی الخیارات و الشروط، قم، المرکز العالمی للدراسات الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳.
- ۱۰- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
- ۱۱- صادقی مقدم، محمد حسن، شکوهی زاده، رضا، حقوق بیمه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۱۲- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
- ۱۳- عبادی بشیر، مقصود، آثار و اوصاف قرارداد بیمه عمر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۳.
- ۱۴- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، ج پنجم، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۵- غروی نایینی، میرزا محمدحسین، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ج دوم، تهران، المکتبه المحمديه، چاپ اول، ۱۳۷۳.



- ۱۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج دوم، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
- ۱۷- فرجادی، منوچهر، بیمه‌های عمر و بازنشستگی، تهران، انتشارات مدرسه عالی بیمه، چاپ اول، ۱۳۵۴.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: ایقاع، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج. ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۲۱- کعبی نژاد، محمد حسین، اصول و ریاضیات بیمه عمر، تهران، نشر بهمن، چاپ اول، ۱۳۴۳.
- ۲۲- لطفی، تقی، فزونی و کاستی (بحثی نواز حقوق مدنی سوئیس)، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹، ۱۳۵۳.
- ۲۳- مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۹.
- معین، محمد، فرهنگ معین، ج اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.

Bacon, David (1971), Principles and Practice of Life Insurance, Buckley Press, 7th ed.

Black, Kenneth (1988), Life Insurance, Practice Hall, 11th ed.

Koller, Michael (2012), Stochastic Models in Life Insurance, Springer Science & Business Media.